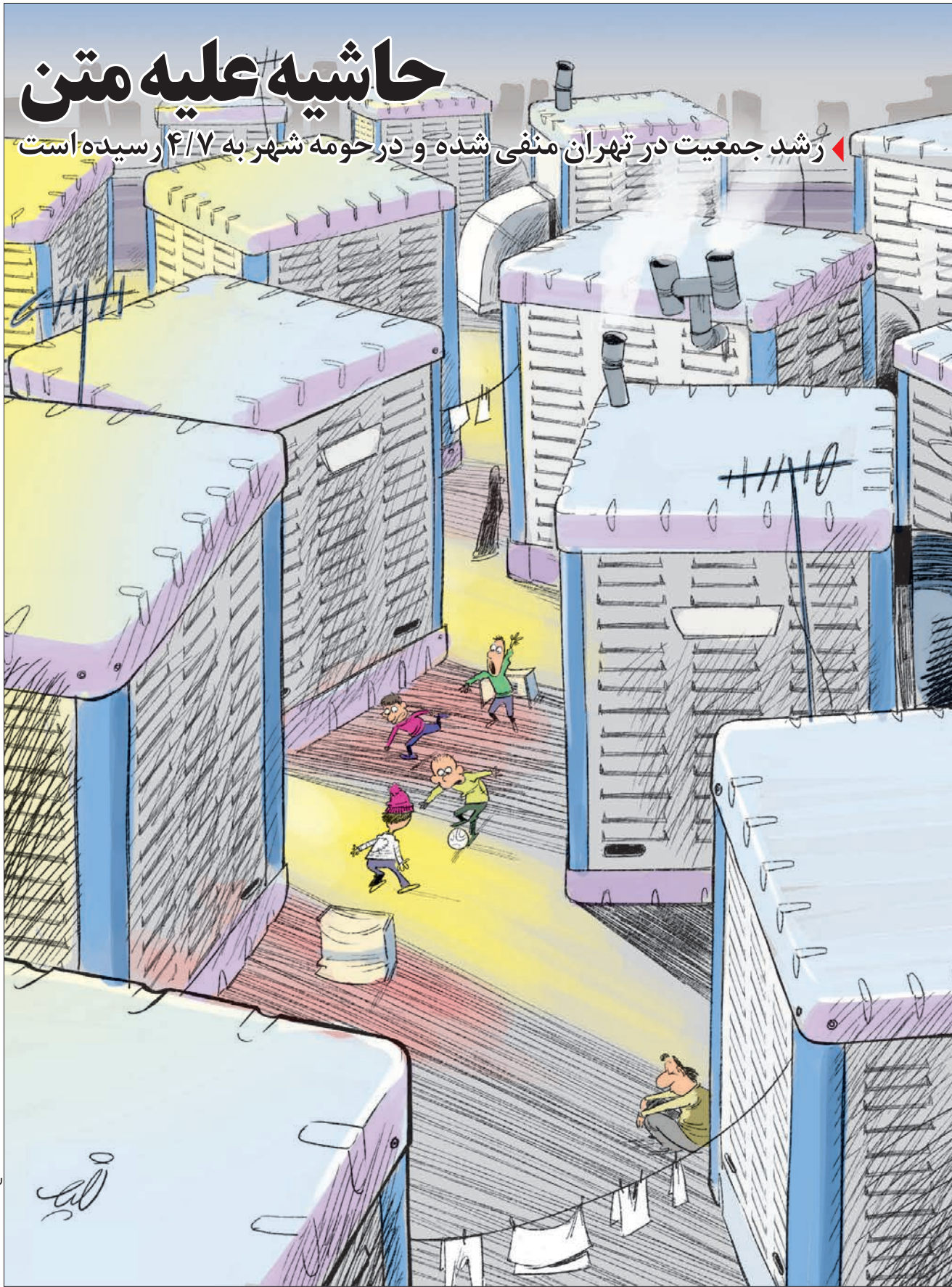


حاشیه‌علیه متن

رشد جمعیت در تهران منفی شده و در حومه شهر به ۴/۷ رسیده است



طرح: محسن/تهران/شهرود

به تهیه مسکن در این کلاتشهر نیستند و روی به حاشیه‌های اطراف پایتخت می‌آورند. نکته مهم دیگری هم که وجود دارد، این است که قیمت بالای مسکن در تهران باعث کوچ و راندن بسیاری از ساکنانش به حاشیه‌ها هم می‌شود. افرادی که تا قبل از این در تهران زندگی می‌کردند، دیگر قادر به پرداخت هزینه‌های زندگی در این کلاتشهر نیستند و بنابراین مجبور می‌شوند که از آن کوچ کنند.»

انتخابی از روی اجبار

تلویزیون و کمده لباس‌هایشان چسبیده به هم و یخچال را هم در حیاط گذاشته‌اند. «عزیز» برقرار ساختمان است و حالا ۵سال می‌شود که زندگی جمع‌وجورش را بار و انت کرده و از «قروه» آمده به تهران؛ «قروه ساختمون سازی خیلی کمه. کار نیست. هر کی به ساختمون می‌نذاره (می‌سازه) می‌ده آشنانش کارش رو می‌کنه. تهران ساختوساز بیشتره، مریم کفگیر چوبی را فرو می‌کند داخل پارچ شربت و تندتند هم می‌زند تا شربت قرمز آلبالو را روانه لیوان‌های بلور کند. ۱۵ سال پیش بود که زن «عزیز» شد و فاطمه‌اش ۲ساله بود که آمدند تهران؛

«خونه‌مون حیاط داشت. خودمم فلفل می‌کاشتم، می‌فروختم، اما خب این (با سر) اشاره به عزیز می‌کند که حالا آتش گرفته زیر سیگار (ش) بیکار بود، نمی‌شد. همین بیکاری باعث شد تا بساط زندگی‌شان را بیاورند و پهن کنند در یکی از روستاهای اطراف هشتگرد. از جایی که خانه می‌گویندش تا نخستین ایستگاه تاکسی به سمت هشتگرد پیاده ۲۰ دقیقه راه است و از آن‌جا هم نیم‌ساعت راه با تاکسی می‌ماند تا هشتگرد؛ «اولا که اومده بودیم به بار فاطمه تب کرد خواستیم ببریمش دکتر، عزیز تا ایستگاه رفت ولی اصلا ماشین نبود. مونده بودیم چه کار کنیم. شانس همسایمون مهمون داشت اون با ماشین بردهمون هشتگرد. خدا خیرش بده» اینها را می‌گوید و شربت درست می‌کند.

«این که چرا همه تهران را انتخاب می‌کنند و این شهر گزینه اول کوچ بسیاری از مهاجران شهرهای دیگر است، دلیل روشنی دارد. از گذشته تاکنون بیشتر امکانات رفاهی در این کلاتشهر متمرکز بوده و از طرف دیگر فرصت‌های شغلی که در این شهر به واسطه تجمع اکثر نهادهای مهم، وزارتخانه و اداره‌ها وجود دارد، با هیچ شهر دیگری حتی کلاتشهرهای بزرگ قابل مقایسه نیست و طبیعی است که در چنین شرایطی تهران گزینه اول بسیاری از افرادی باشد که به دنبال تحقق رویاپایشان برای داشتن زندگی بهتر هستند. تابی از این مشکلی که این استان با آن دست‌وپنجه نرم می‌کرد، بحث تمرکز جمعیت در شهر تهران بود و حالا مشکل چیز دیگری به نام «اگرایی تهران» است. اینها را «اعتماد» در پاسخ علت مهاجرت خانواده «عزیز» و هزاران خانوادۀ مهاجر دیگر به تهران می‌گوید.

رشد «رسمی» و «غیررسمی»

در این سال‌ها هر چیزی که مربوط به آنها می‌شده، رشد داشته، از جمعیت‌شان تا تعداد و نوع سکونتگاه‌شان و علاوه بر رشد یک اتک «رسمی» یا «غیررسمی» هم به آنها چسبانده شده است. آمارهای جمعیت‌شان بر دو قسم است: رسمی و غیررسمی. درست مانند محل‌هایی که در آن اسکان یافته‌اند. گیتی اعتماد به «شهروند» می‌گوید: «ما در بحث حاشیه‌نشینی تهران با دونوع پدیده روبه‌رو هستیم. یکی زندگی در شهرها و شهرک‌های آقماری اطراف تهران است و موضوع دیگر وجود سکونتگاه‌های غیررسمی در اطراف این شهر. شهرک‌های اطراف تهران با این که هنوز از نظر امکانات و خدمات شهری با تهران قابل مقایسه نیستند، ولی از حداقل امکاناتی مانند مراکز بهداشتی، فرهنگی، وسایل حمل‌ونقل و غیره برخوردارند. هر چند ناقص و کم را در اختیار ساکنانشان قرار می‌دهد اما معضل اصلی بحث سکونتگاه‌های غیررسمی اطراف تهران است. محل‌هایی برای زندگی که انواع محرومیت‌ها در آن موج می‌زند و می‌تواند خواستگاه بسیاری از آسیب‌های اجتماعی باشد.»

موضوع سکونتگاه‌های همان مسأله‌ای است که بسیاری را نگران کرده و باعث شده تا در مورد خطرات و احتمال بروز آسیب‌های مربوط به آن هشدار دهند. «اعتماد» هم می‌گوید که این مناطق به علت پایین بودن سطح آموزش می‌توانند جرم‌خیز باشند و سبب بروز آسیب‌های اجتماعی شوند؛ «اعتماد، فحشا، دزدی و هزاران معضل دیگری که همراه این موضوع می‌آید و می‌تواند مشکل زیادی را برای تهران و شهرهای اطرافش به وجود آورد، البته لزوم زندگی در حاشیه‌ها

به منزله مجرم یا بزه‌کار بودن نیست، اما بافت این سکونتگاه‌ها به صورتی است که به‌طور ناخودآگاه احتمال چنین آسیب‌هایی را افزایش می‌دهد و افراد را به سمت بزهکاری سوق می‌دهد. این حاشیه‌ها از حداقل امکانات رفاهی و فرهنگی برخوردار نیستند و چون سکونتگاه‌هایی مهاجرپذیر هستند، بنابراین با خرده‌فرهنگ‌های مختلفی دست‌وپنجه نرم می‌کنند که تحت آموزش صحیح شهروندی قرار نگرفته و از طرفی احساس ناعدالتی و نابرابری شدیدی می‌کنند که این مسأله به فاصله طبقاتی بین تهران و حومه‌اش دامن می‌زند که این موضوع - فاصله طبقاتی - خود عامل بسیاری از رفتارهای ناهنجار است که حتی می‌تواند برای شهر تهران هم خطرناک باشد. بنابراین لزوم به فرهنگ‌سازی و آموزش از حیاتی‌ترین اقداماتی است که باید برای حاشیه‌نشینان انجام داد، و گرنه این وضع روند خطرناکی است که روزبه‌روز خطرناک‌تر و جدی‌تر می‌شود.»

مسکنی نامهربان با تهران

اگرچه در سال‌های گذشته دولت‌ها برنامه‌هایی برای ساماندهی به موضوع مسکن کم‌درآمدها و ارتقای وضع زندگی در حاشیه‌ها داشته‌اند اما کارشناسان معتقدند همین برنامه‌ها در افزایش حاشیه‌نشینی نقش داشته است. «مسکن مهر» عنوان پروژه‌ای بود که دولت نهم و دهم با شعار کمک به خانه‌دار شدن اقشار کم‌درآمد شروع کرد اما در عمل نتیجه‌ای جز توسعه حاشیه‌نشینی و اسکان مردم در نقاط فاقد امکانات نداشت. ۲۴ خرداد ۹۵ بود که عباس آخوندی، وزیر راه و شهرسازی در صحن علنی مجلس گفت: ۱۰۰ هزار میلیارد تومان در مسکن مهر هزینه شد و با وجود این حجم سرمایه‌گذاری ۱۹ میلیون بدمسکن و ۹ میلیون حاشیه‌نشین داریم که اگر آن طرح مفید بود، آش‌راش را می‌دیدید. دومیلیون ۲۱۵ هزار واحد حجم این پروژه بود و ۱۱۷ هزار واحد فاقد متقاضی و ۴۹ هزار واحد در جاهایی است که دارای مشکلات حقوقی است» و البته وزیر به این اشاره کرد که دولت تعهداتش را نسبت به متقاضیان مسکن مهر فراموش نکرده است. بنابراین اگرچه دولت یازدهم با مسکن مهر موافق نیست اما به احترام مردم، پروژه تا کارآمد دولت قبل را به سرانجام خواهد رساند. محمد مهراندیش، استاد دانشگاه در حوزه شهرسازی می‌گوید: «رایه یک برنامه بدون مطالعه و تنها یک بخش مشکل را دیدن و فقط ساختوساز کردن» بود و این طرح به هیچ‌وجه، زیربنای مطالعاتی و مکان‌یابی درست و اصولی نداشت. او با رد این موضوع که مسکن مهر می‌توانست راهکاری برای کاهش حاشیه‌نشینی باشد، این طرح را به نوعی حاشیه‌نشینی «تعمدی» می‌داند؛ یعنی حاشیه‌نشینی که به دست خودمان ایجاد شده است: «بده شهرهای جدید، در صورت وجود مبنای صحیح و دقیق مطالعاتی و مکان‌یابی مناسب، می‌تواند جایگزین خوبی برای مسکن مهر در قالب طرح دولت برای مسکن کم‌درآمدها باشد؛ طرحی که حاشیه‌نشینی را افزایش ندهد.»

حاشیه‌ای که هویت را کم‌رنگ می‌کند

یکی از مسأله‌ای که همواره کارشناسان، شهرسازان و جامعه‌شناسان به آن تأکید می‌کنند، لزوم حفظ هویت و بافت معنوی شهرهاست که به گفته گیتی اعتماد حاشیه‌نشینی این مسأله را مورد هدف قرار داده و به آن آسیب می‌زند: «شاید موضوع دیگری که در بحث رشد حاشیه‌نشینی تهران کمتر به آن توجه می‌شود، بحث از بین رفتن هویت بافت‌های اطراف باشد. به‌عنوان مثال در کشور ژاپن در کنار کارخانه تویوتا هنوز که هنوز اجازه ساختوساز نمی‌دهند و در تمام زمین‌های اطراف این کارخانه کشاورزی می‌شود اما در تهران این‌گونه نیست. بسیاری از زمین‌های اطراف تهران با هجوم پدیده مهاجرت به پیش‌گام آن دچار ساختوسازهای بی‌رویه‌ای شده‌اند که هویت مناطق اطراف تهران را از بین می‌برد. به‌طور مثال، دشت‌های تهران - قزوین یا تهران - کرج که یکی از بهترین دشت‌های کشور و از نظر منابع طبیعی است، اسیر پدیده ساخت‌وسازهای شده و در حال از بین رفتن است.»

خواسته و ناخواسته تهران دچار معضل حاشیه‌نشینی شده و سال‌به‌سال هم به تعداد حاشیه‌نشینان آن افزوده می‌شود. صبح به صبح بولدورها به جان خانه‌های این شهر می‌افتند و به جای آنها آپارتمان‌های لوکسی بالا می‌رود که وسع ساکنان تهران و میهمانان این شهر به سکونت در آنها نمی‌رسد و ناگزیر می‌شوند به اطراف این شهر بزرگ بروند. حاشیه‌نشینی که در تهران فرصت زندگی نداشتند و در حاشیه تهران امکان زندگی.

لزوم فرهنگ‌سازی در مناطق حاشیه‌نشین

علی‌ملکی | جامعه‌شناس

ساختارهای نامن ساختمانی، شرایط غیرقابل تحمل مسکن، تزلزل و ناامنی در وضع اجاره‌نشینی، مکان‌یابی و استقرار در مناطق مخاطره‌آمیز، فقر، رکود اقتصادی و جرم از مشکلات مناطق کم‌درآمد هر شهر است. از آن‌جا که نیازهای اجتماعی افراد در محیط‌های روستایی برآورده نمی‌شود در تعدادی از شهرها پاسخ صحیحی برای آنها وجود دارد، از این‌رو به‌گونه‌ای عدم تعادل میان جوامع روستایی و شهری ایجاد می‌شود و روستاییان برای ارضای نیازهای خود دست به مهاجرت می‌زنند. امکانات اشتغال برای جمعیت‌های تازه‌وارد گروهم‌های مهاجر فراهم نیست و امکانات و تسهیلات زیربنایی و اجتماعی شهری نیز با افزایش جمعیت شهری متناسب نیست که در این حالت و به‌دلیل بروز کمبودها و نارسایی تسهیلات زیربنایی، اجتماعی و کالبدی، این محله‌ها شکل می‌گیرد. باید در نظر داشت که نداشتن امکانات یکسان باعث ایجاد فاصله طبقاتی و اجتماعی میان اقشار مختلف جامعه می‌شود.

حاشیه‌نشینان به‌علت برخورداری نداشتن از امکانات رفاهی، بهداشتی، آموزشی، تحصیلی و از همه مهم‌تر برای برخورداری از کار و اشتغال، ناگزیر از مهاجرت به شهرها هستند. با بهبود شرایط فیزیکی و فراهم آوردن امکانات از لحاظ فرهنگی و رفاهی می‌توان در بالا بردن سطح اجتماعی این مناطق موفق بود. افرادی که در این مناطق زندگی می‌کنند به‌دنبال دانشستن یک زندگی ابرومندند و گاهی از طرف جامعه برچسب‌هایی بر این افراد زده می‌شود که سطح اجتماعی و شأن آنها را پایین می‌آورد و این افراد به دلیل نداشتن دارایی، قادر به خروج از این مناطق نیستند. می‌توان با فرهنگ‌سازی از طریق رسانه‌ها یا دایر کردن نمایشگاه و ورزشگاه برای جوانان این منطقه، از دید منفی که سایر افراد جامعه نسبت به این مناطق دارند، کاست.

بیشتر جوانان مناطق حاشیه‌نشین شهر برای داشتن یک زندگی ابرومند در تلاش‌اند. ضعف خدمات پایه شهری، ناکافی بودن عرضه مسکن،

تنها سمینار پاسخگو نیست

تقی دادرس | جامعه‌شناس و مدرس دانشگاه

شدن آسیب‌ها و ناهنجاری‌ها خواهیم شد. برای کاستن از آسیب‌های اجتماعی در این مناطق نیازمند برنامه مدون و حساب‌شده هستیم؛ به‌عنوان مثال اگر قرار است نمایشگاه مبارزه با مواد مخدر در اردبیل برگزار شود، به جای برپایی آن نمایشگاه در مراکز فرهنگی مشخص، با برگزاری آن در محلاتی که با این آسیب اجتماعی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، الگوریزی کنیم. قطعاً با فراهم کردن امکانات مناسب تفریحی، سرگرمی، آموزشی و بهداشتی در روستاها، مهاجرت بی‌رویه روستاییان به شهرها کاسته خواهد شد و به تبع آن آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی نیز کاهش می‌یابد.



طرح: محسن/تهران/شهرود

وقتی افراد از محیط روستایی و عشایری وارد شهری می‌شوند، به دلیل آشنابودن با فرهنگ شهرنشینی، دست به کارهایی می‌زنند که مناطق حاشیه‌نشین به مراکز جرم‌پرور معروف شدن در حالی است که وقوع جرم در تمام لایه‌های شهری اتفاق می‌افتد. وقوع جرم در برخی مناطق حاشیه‌نشین تخصصی است که این امر موجب شده آمار جرم در این مناطق بیشتر افزایش یابد. شکاف عمیق بین مناطق برخوردار با پایین شهر موجب شده که مردم مناطق حاشیه‌نشین به‌ویژه جوانان برای برخورداری از زندگی برزق و برزق و رفتن‌ره سدساله در یک شب، به‌نوا آوری‌های منفی روی بیاورند.

از طرفی چون در مناطق حاشیه‌نشین مردم گرفتار فقر مادی، آموزشی، رفاهی، اقتصادی و فرهنگی هستند، زمینه فراهم است تا جوانان این مناطق که در زندگی با یکسری ناکامی‌ها و شکست‌ها مواجهند، ناخواسته به سمت ناهنجاری‌ها و بزه کشیده شوند؛ البته این به این معنا نیست که جوانان حاشیه‌نشین گناه و خطای خود را توجیه کنند. اگر با یکسری تغییرات در ساختار اقتصادی جامعه، شکاف عمیق بین طبقات اجتماعی کم شود و امکانات رفاهی به مناطق فقیرنشین جامعه سرزیر شود، در این صورت با توزیع عادلانه ثروت، عدالت آموزشی و تفریحی ۵۰ درصد آسیب‌های ناشی از حاشیه‌نشینی رفع خواهد شد. متأسفانه افرادی که در مدیریت‌های کلان شهری تأثیرگذار هستند، به جای این که سنجی از راه‌مشکلات فرهنگی بردارند تنها به برگزاری سمینارها و راه‌آمارها اکتفا می‌کنند. اگر برخی مدیران در قبال خدا و مردم خودشان را پاسخگو بدانند و به جای ذوب‌دهن‌های سیاسی و بدبختان‌های اقتصادی و قشقران را وقف جامعه کنند، شاهد کمتر

مبنا مهری | حرف و حدیث در موردشان زیاد است اما آمار دقیقی از آنها در دست نیست. مشکلاتشان را جزو یکی از آسیب‌های پنجگانه می‌شمارند اما تعداد دقیق خودشان سرشده نمی‌شود. ۱۸ میلیون نفری که زندگی‌شان را در حاشیه یکی از شهرهای بزرگ بنا کرده‌اند و شده‌اند «حاشیه‌نشین» افرادی که هر روز با هزاران مشکل دست‌وپنجه نرم می‌کنند و شاید عدم دسترسی به امکانات رفاهی و خدمات شهری تنها یکی از آن هزار باشد. اردیبهشت‌ماه امسال بود که رئیس جمهوری در نشست شورای اجتماعی، حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ را پدیده‌ای جهانی دانست که مواجهه با آن، نیازمند مطالعه تجربه‌ها و برنامه‌های دیگر کشورهاست. عباس آخوندی، وزیر راه و شهرسازی نیز در همان جلسه اعلام کرد که ۳۰ درصد جمعیت شهری کشور یعنی بالای ۱۹ میلیون نفر در ۱۳۰ هزار هکتار مساحت در بیش از ۲۷۰۰ محله در شرایطی زندگی می‌کنند که با کمبود سرانه خدماتی و زیرساخت‌های نامناسب روبه‌رو هستند.

البته آخوندی به‌عنوان رئیس ستاد ملی بازآفرینی شهری،

بیشتر نیز در مورد بخشی از مشکلات حاشیه‌نشینان سخن گفته بود؛ این که حاشیه‌نشینان، حس تعلق به جامعه را از دست می‌دهند و خود را شهروند در چه دهم می‌دانند که از سوی دیگر شهرنشینان به حاشیه رانده شده‌اند. حاشیه‌نشینی در کلاتشهرها به علت سیل مهاجران جوانی زندگی بهتر بیشتر از شهرهای دیگر رخ می‌دهد و پایتخت شاید انتخاب اول و آخر بسیاری از این مهاجران باشد. انتخابی که با هزاران امید و آرزو مهاجران را روانه این شهر بزرگ کرده و در نهایت هم به حاشیه کشاند. حالا کار به جایی رسیده است که شهردار تهران اعلام کرده: شهر تهران رشد جمعیت منفی دارد، اما همه مشکلات از تویسان آزادگان به آن طرف اتفاق می‌افتد و رشد جمعیت در حومه شهر تهران به ۴،۷ رسیده است. در نتیجه شهرهای چند میلیونی در اطراف تهران به وجود می‌آید و بخش عمده‌ای از شرق سرزمین ما خالی از سکنه شده است که این موضوعات را باید در برنامه ششم توسعه حل کنیم.

گیتی اعتماد پژوهشگر شهری به «شهروند» می‌گوید: «در بحث حاشیه‌نشینی و رشد جمعیت حاشیه‌ها آمار دقیقی وجود

ندارد که با استناد به آن بتوان از میزان دقیق حاشیه‌نشینان خبردار شد اما آنچه از آمارهای غیررسمی و مطالعات برمی‌آید، حاکی از آن است که این پدیده در سال‌های اخیر به میزان قابل توجهی رشد یافته است، چون بنابر آمارهای رسمی جمعیت شهرنشینی در تهران کم شده و قطعاً این میزان جمعیت به سمت اطراف این شهر افسار گسیخته حرکت کرده است.»

شهرستان‌ها به این شهر پناه نیاورده‌اند. بخشی از این رشد جمعیت حاشیه‌نشینی که حالا شهردار تهران رقم آن را نزدیک به ۵۰ درصد اعلام کرده، مربوط به افرادی است که قبلاً در تهران ساکن بوده‌اند اما آن توانایی و وسیع ادامه زندگی در آن را ندارند؛ «اگر بخواهیم رشد جمعیت در حاشیه اطراف تهران را بررسی کنیم، باید به دو نکته اصلی توجه ویژه داشته باشیم. نخستین موضوع این است که تهران یکی از گران‌ترین شهرهای دنیاست. مسکن در تهران بسیار گران است و قیمت آن نجومی رشد می‌کند. بنابراین بسیاری از افرادی که از شهرستان‌ها یا شهرهای اطراف به تهران کوچ می‌کنند، قادر